



به زبان مادری گریه می‌کنیم

«به زبان مادری گریه می‌کنیم» سومین کتاب مجموعه «زندگی میان زبان ها» است و مثل دو کتاب دیگر این مجموعه با نام های «ارواح ملیت ندارند» و «لپچه ها اهل نمی شوند»، روایت نویسندۀ ای است که در کشوری غیر از سرزمین مادری اش زندگی می‌کند و به زبانی غیر از زبان مادری اش می نویسد و به همین دلیل، آگاهانه به تجربه زندگی در زبانی دیگر اندیشیده و در نوشته هایش بازی ها و معماهای زیستن در زبانی آشنا یا غریبه را به تصویر می‌کشد. با این همه، این کتاب هم به لحاظ فرم و هم به لحاظ محتوا تفاوت های مهمی با دو عضو پیشین مجموعه دارد. شاید مهم ترین وجه تمایز کتاب «به زبان مادری گریه می‌کنیم» تعلقش به ژانر جستارهای بسیار کوتاه یا ناداستان برق آسا باشد. در این ژانر، معنا و لحظه در ناب ترین هسته وجودی شان فشرده می شوند، لحظه ای منجمد در یک «آن»، صحنه ای سرنوشت ساز از رویدادی خاص در یک قاب، مکاشفه و شهود مفهوم، بازنمایی حس یا ادراکی گذرا در قالب ماندگار کلمه. این کتاب دریچه ای نو به ادبیات امروز مکزیک و آمریکای لاتین می‌گشاید و تصویری متفاوت از آنچه به آن خو گرفته ایم، نشانمان می دهد. «به زبان مادری گریه می‌کنیم» مجموعه ای است از هشتاد و دو ناداستان / جستار بسیار کوتاه یا همان فلش نانفیکشن یا جستار برق آسا از فابیو موراویتو، شاعر، نویسنده و مترجم مکزیکی ایتالیایی تبار، که الهام شوشتری زاده آن ها را از زبان اسپانیایی به فارسی برگردانده است.

تاریخ روح سرگردان شعر

«متافیزیک شعر» کتابی از مهدی مظفری ساوجی است که به تازگی در سه جلد ویرسی به وسیله انتشارات دیدآور، در شمارگان ۴۴۰ نسخه منتشر شده است. خبرگزاری ایسنا در نگاهی به این کتاب، یادداشت هایی از عبدالحمید ضیایی و لیلاکردپچه، شاعر و پژوهشگر، منتشر کرده است. متن زیر بخش کوتاهی از یادداشت کردپچه درباره اثر مظفری ساوجی است. متافیزیک شعر کتابی درباره شعر نیست، کتابخانه ای درباره شعر است که تاریخ نظریه ادبی را به طور ویژه درباره شعر مدنظر قرار داده است. مظفری در این اثر، نه تنها شعر، که روح شعر را در مرکز توجه قرار داده است و این مهم، البته از عهده هر پژوهشگری برنمی آید و حتی از عهده هر پژوهشگری که خود شاعر هم باشد نیز برنمی آید، بلکه دقت نظر، سخت‌کوشی و پشتکار و البته بی طرفی شگفت انگیزی می خواهد که اگر دیگر آثار مهدی مظفری ساوجی را خوانده باشید، می دانید که جمیعاً در اوست. متافیزیک شعر، نه تاریخ شعر، بلکه تاریخ روح سرگردان حاکم بر شعر است از آغاز تا امروز، با استناد به منابع مهم، اصل و دست اول، همین اهمیت و ارزش و اعتبار این کتاب را در دوچندان می‌کند، مضاف براینکه در طول نگارش متن نیز، مؤلف آن را بارها و بارها در بوته نقد و نظر بزرگان، استادان و کارشناسان این عرصه گذاشته، مشاوره هایی ارزشمند دریافت کرده، و بارها خود را ملزم به بازنویسی بخش هایی از کتاب کرده است، کاری که می‌دانیم در روزگار رفتاری های بسیار و حوصله های فرسوده و زمان اندک، چقدر به ندرت اتفاق می‌افتد.

ترجمه فارسی «و خدا فکرهای دیگری داشت» منتشر شد

ترجمه فارسی مجموعه شعر «و خدا فکرهای دیگری داشت» در دسترس خوانندگان قرار گرفت. این مجموعه شعر که به زبان عربی سروده شده و اثر عباس ثائر، شاعر و نویسنده عراقی، است، سال ۲۰۱۸ میلادی پس از برگزیده شدن در مسابقه ادبی اتحادیه نویسندگان عراق به عنوان مجموعه برتر توسط این اتحادیه به چاپ رسیده و هم اکنون ترجمه فارسی آن با ترجمه اصغرعلی کریمی در دسترس خوانندگان قرار گرفته است. آن‌گونه که تارنا، خبرگزاری شعر ایران نوشته، عباس ثائر، شاعر و نویسنده عراقی و دانش آموخته قانون از دانشگاه روسیه در مقطع فوق لیسانس است. او هم‌اکنون دانشجوی دکتری قانون در عراق و عضو اتحادیه ادبا و نویسندگان این کشور و همچنین عضو اتحادیه دانشگاهیان است. تاکنون شعرهایش به زبان های فرانسوی و روسی ترجمه شده و مقالات نقدی و تحلیلی بسیاری در رسانه ها و روزنامه های جهان عرب به چاپ رسانده است. اصغرعلی کریمی مترجم این مجموعه از لایل انتخاب آن را درگیری کمتر با زبان مبدا و پرهیز از بازی های زبانی و نیز پرداختن به ذهن و زبان انسان معاصر برمی‌شمارد. مطابق باور مترجم، شعر معاصر عراق در مرحله ای از تجربه های ماندگار زیستی و زبانی به س رمی برد که تحت تأثیر جریان ساده نویسی و شعر رسانه‌ای و ظهور شاعران بزرگی مانند عدنان صانع و مظفر نواب و احمد مطر و همچنین بازگشت به سنت های زبانی کلاسیک و ارتباط شاعران با توده های جامعه شکل گرفته و سروده های عباس ثائر، حسین هلیل، علی ابراهیم الیاسری، احمد رافع، زین العزیز و مالک البطلی از نمونه های درخشان و متنوع این تجارت جمعی است.

زین قنبر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

- ناوبراسته**✖
- موقعیت بوستان‌ها می‌تواند تأثیر چشمگیری در جذب گردشگر و بازدیدکننده داشته باشد.
- ویراسته**✔
- موقعیت بوستان‌ها تأثیر چشمگیری در جذب گردشگر و بازدیدکننده دارد.
- نکته**📌
- باحذف واژه‌ای می‌تواند، جمله روان تر و زیباتر می‌شود.**

#زین-قنبرپارسی

شماره ۱۰

شاهرام NEWS.IR
۴شنبه
۱ آذر
۸ جمادی‌الاول
۱۳۹۷
شماره ۱۰



فرهنگ و ادبیات

بارها در همین صفحه از شاعرانی گفتیم که به امام هشتم ارادت داشته یا به هر حال ایشان را در سروده خود ستوده اند. در واقع شعر فارسی و اصولا شعر در جهان اسلام از اهل بیت^(ع) غافل نبوده است. اگرچه می‌توان در چندوچونی این توجه اهل‌دب به خاندان پیامبر^(ص) بررسی و بحث کرد. صفحه فرهنگ وادبیات روزنامه شهرآر، نمونه های متعددی از شعر رضوی-از گذشته های دور تا امروز-را منتشر ساخته و فراروی خوانندگان خود گذاشته است. اما فقط ادبیات «منظوم» ما نبوده که از ائمه^(ع) گفته و این بزرگان معصوم، تنها در شعر فارسی و اسلامی نام برده نشده‌اند. به بیانی، متون کهن «منثور»، نیز به ایشان پرداخته است. این پرداختن، هم در قالب بررسی و پژوهش تاریخ و ذکر خطبه و حدیث بوده است و هم به شکل عرض ارادت نویسندگان مسلمان (اعم از سنی و شیعه).

یکی از مهم ترین آثار کهن فارسی که به نثر نگاشته شده است و در دو عرصه تاریخ و ادبیات ارزش فراوان و جایگاه والا دارد، «تاریخ بیهقی» است؛ شاهکار ابوالفضل بیهقی، نویسنده و تاریخ دان بزرگ خراسانی در سده پنجم هجری و شاید همه اعصار. اینجا نمی‌خواهیم به ارزش های ادبی و پژوهشی این گنج فارسی و منش و انصاف صاحب نگارنده آن بپردازیم – که در جای خود گفتنی و نوشتنی است – بلکه قصد داریم از نام بردن بیهقی از امام رضا^(ع) در تاریخ مشهور خود بگوییم. او در دو جای کنایش به حضرت اشاره می‌کند؛ یکی هنگامی که از تصمیم مأمن، خلیفه عباسی، برای انتصاب علی بن موسی الرضا^(ع) به ولایتعهدی خود یاد می‌کند و دیگر، وقتی که از یکی از دولتمردان دربار غزنوی می‌گوید و به دنبال آن اشاره ای دارد به خاطره زیارت حرم حضرت. در ادامه، نگاهی خواهیم کرد به این دو بخش از «تاریخ بیهقی».

حسینی

روایت ابوالفضل بیهقی از ولایتعهدی امام^(ع) ابوالفضل بیهقی در مجلد ششم از «تاریخ بیهقی»، آنجا که «حکایت فضل سهل ذوالریاستین با حسین بن المُصعب» را می‌نویسد، اشاره ای دارد به ولایتعهدی امام رضا^(ع). در این بخش آمده است: «و از حدیث حدیث شکافد، در ذوالریاستین که فضل سهل را گفتند و ذوالیمینین که طاهرا را گفتند و ذوالقلمین که صاحب دیوان رسالت مأمن بود قصه ای دراز بگویم تا اگر کسی نداند او را معلوم شود، چون محمد زُبیده کشته شد و خلافت به مأمن رسید، دو سال و چیزی به مرو بماند، و آن قصه دراز است، فضل سهل وزیر خواست که خلافت از عباسیان بگرداند و به علویان آرد، مأمن را گفت نذر کرده بودی به مشهد من [در حضور من] و سوگندان خورده که اگر ایزد تعالی شغل برادرت کفایت کند [کار برادرت را به انجام رساند، یعنی در جنگ با برادرت امین تو را پیروز کند و از این مشغله خلاص شوی] و خلیفت [خلیفه] گدی ولیعهد از علویان کنی، و هر چند بر ایشان نمائد تو باری از گردن خود بیرون کرده باشی و از نذر و سوگند بیرون آمده، مأمن گفت سخت صواب آمد. کدام کس را ولیعهد کنیم؟ گفت علی بن موسی الرضا که امام روزگارا ست و به مدینه رسول علیه السلام می‌باشد. گفت پوشیده کس باید فرستاد نزدیک طاهر و بدو نباید نشست که ما چنین و چنان خواهیم کرد، تا او کس فرستد و علی را از مدینه بیارد و در نهان او را بیعت کند و بر سبیل [شیوه] خوبی به مرو فرستد تا اینجا کار بیعت و ولایت عهد آشکارا کرده شود. فضل گفت «امیرالمؤمنین را به خط خویش مطلقه ای [نامه محرمانه ای] باید بنیشت. «در ساعت دویت [دوات] و کاغذ و قلم خواست و این ملطفه را بنیشت و به فضل داد. فضل به خانه بازآمد و خالی [در خلوت] بنیشت و آنچه بنیشتی بود نبیشت و کار راست کرد و معتمدی را با این فرمان‌ها نزدیک طاهر فرستاد. و طاهر بدین حدیث سخت

شادمانه شد. که میلی داشت به علویان، آن کار را چنان که بایست بساخت و مردی معتمد را از پطانه [رازداران] خویش نامزد کرد تا با معتمد مأمن بشد، و هر دو به مدینه رفتند و خلوتی کردند با رضا و نامه عرضه کردند و پیغام‌ها دادند. رضا را سخت کراهیت [ناخوشایندی] آمد که دانست که آن کار پیش نرود، اما هم تن در داد. از آنکه از حکم مأمن چاره نداشت، و پوشیده و مُتَنَكَّر [ناشناس] به بغداد آمد و وی را به جایی نیکو فرود آوردند.»

● زیارت حرم رضوی

پدر تاریخ نویسی نوین و نثر فارسی در بخشی از «تاریخ



معرفی ۵ رمان فلسفی به مناسبت روز حکمت و فلسفه

داستان‌هایی با پریش‌های ازلی ابدی



فیلسوف در حال اندیشیدن اثر راسل

- خوشبختی تضمینی
- دنیای قشنگ نو**
- نویسنده: آلدوس هاکسلی**
- خیال پردازی انسان برای کشف یا ساخت دنیایی آرمانی، مدینه فاضله یا یوتوپیا، قدمتی طولانی دارد، شاید به قدمت حضور انسان خردمند روی زمین. هر چه رنج‌های زیستن بیشتر، عطش یافتن چنین دنیایی هم بیشتر، بسیاری از جباران تاریخ نیز با وعده ساخت چنین دنیایی برای شهروندانشان به قدرت رسیده یا آن را حفظ کرده‌اند. اما در واقع عاقبت همه آن‌ها به ویران شهر ختم شد. «دنیای قشنگ نو» رمانی دیستوپایی یا ویران شهری است که سال ۱۹۳۲ منتشر شد. هاکسلی در این اثر دنیایی را تصویری می‌کند که به ظاهر همه در آن خوش و خرم هستند، زندگی در عین رفاه و به دور از درد و رنج در جریان است، اما تاوان آن نابودشدن فردیت، فرهنگ، هنر، فلسفه و ممنوع شدن بسیاری از آثار ادبی و مذهبی است. انسان با دستکاری ژنتیکی از زندگی لذت می‌برد و رنج را از دور احساس می‌کند. دارویی به نام «سوما» حس خوشبختی به آن‌ها می‌دهد. اما به طرز متناقضی ما از دیدن این دنیای به ظاهر شاد، حس بیزاری پیدا می‌کنیم و حاضر نیستیم در آن زندگی کنیم.



- درباره رنج، شرافت، کنشگری و چیزهای دیگر
- نویسنده: آبرکامو**
- پیداشدن موشی مرده در شهر اوران الجزایر، آغاز یک فاجعه و همه‌گیری طاعون است. شهر قرظنیه می‌شود، آدم‌ها دسته دسته می‌میرند و درمانی در کار نیست. برخلاف اثر قبلی کامو یعنی رمان معروف «بیگانه» طاعون به جای پاسخ فردی، به پاسخ اجتماعی و به وضعیت پوچ هستی می‌پردازد. کامو پوچی را به معنای زندگی خالی از خدا و مواجهه دائمی با نیروهای شیطانی، بدون معنای عقلانی تعریف می‌کند. در این شهر طاعون زده مرگ سهل است و بقا دشوار و درکتور، قهرمان داستان، می‌فهمد کار زیادی از دست انسان‌ها برنمی‌آید چرا اینکه با بی‌تفاوت نبودن نسبت به هم، مایه تسکین همدیگر شوند. کامو در دل این واقعه آدم‌ها و واکنش‌هایشان را در یک وضعیت استثنایی نشان می‌دهد. مسائلی مانند خدا، نبود عدالت در جهان، بی‌منطق بودن بسیاری از رنج‌ها، شرافت، دیگر دوستی، از خودگذشتگی، کنشگری اجتماعی، عشق به انسان و... از مضامینی است که در این اثر به آن پرداخته شده است.
- بی تفاوت نبودن نیز از مهم ترین مضمون‌هایی است که کامور در این اثر به آن توجه داشته است.

